

گفتگ و گوی تمدن ها و فرهنگ ها ،
نهی خشونت طلبی ، تروریسم و جنگ است



متن سخنرانی سید محمد خاتمی در جمع سیاستمداران و روشنفکران
در مجمع گفتگوی تمدن ها در یونسکو - پاریس
۱۷ فروردین ۱۳۸۴

جناب آقای خاتمی در تاریخ ۱۷ فروردین ۸۴ در جمع صدها نفر از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی جهان در مقر یونسکو در پاریس گفت «خشونت طلب می‌کوشد تا هر مخالفی را با زور از صحنه خارج کند و حاصل کار چیزی جز بروز پدیده نفرت‌انگیز و هراس‌آور ترور از یک‌سو و جنگ و ویرانی و اشغال و تحمیل از سوی دیگر نخواهد بود.»

متن کامل سخنان خاتمی در اجلاس یونسکو که علاوه بر رؤسای جمهوری ایران و الجزایر، بیش از سیصد تن از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی جهان در آن شرکت داشتند، به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای رئیس جمهوری بوفلیقه

جناب آقای مدیرکل

ریاست محترم کنفرانس عمومی

ریاست محترم شورای اجرایی میهمانان و عالی‌جنابان عزیز خانم‌ها و آقایان

بسیار خوشحالم که در آخرین سفرم در دوران هشت ساله ریاست جمهوری اسلامی ایران میهمان خانه آموزش، علوم و فرهنگ و برج مراقبت فکری و نظری ملل متحد هستم. خانه‌ای که قانون اساسی آن این طور آغاز می‌شود: چون جنگ‌ها در اندیشه آغاز می‌شوند، سنگرهای دفاع از صلح را در اندیشه‌ها باید ساخت... در طول تاریخ، جهل ما به شیوه‌های زندگی یک‌دیگر علت مشترک ظن و بی‌اعتمادی میان مردمانی بوده است که تفاوت‌های آنان اغلب به جنگ انجامیده است... صلحی که صرفاً بر تبیات سیاسی و اقتصادی میان دولت‌ها بنا شده باشد، صلحی نخواهد بود که حمایت یکپارچه مردم جهان را با خود داشته باشد و بنابراین، بنای صلح، اگر نخواهد فرو بریزد، می‌باید بر همبستگی اخلاقی و فکری بشر استوار باشد.

هدف پیشنهاد من به جامعه بین‌المللی برای پیشبرد ارتقای گفت‌وگوی میان تمدن‌ها نیز چیزی جز همین اهداف نیست و فلسفه انتخاب این سازمان برای آخرین

حضور خارجی‌ام نیز از همین تجانس در هدف مایه می‌گیرد.

پیش از ورود به بحث می‌خواهم، از آقای مدیرکل یونسکو که این فرصت را برای من فراهم آورده‌اند، تشکر کنم.

یونسکو که در مجموعه خانواده ملل متحد نهاد پیشتاز برای پیشبرد گفت‌وگوی تمدن‌ها است، در چند سال اخیر کنفرانس‌های مهم و متعددی را با حمایت کشورهای عضو خود در نقاط مختلف جهان برگزار یا حمایت کرده است.

دو موضوع مهم دیگر که در دستور کار سال‌های اخیر یونسکو قرار داشته است نیز ارتباط مفهومی عمیقی با گفت‌وگوی تمدن‌ها دارد. یکی تدوین و تصویب کنوانسیون میراث معنوی در سال ۲۰۰۳ و دیگر تصویب بیانیه جهانی تنوع فرهنگی در سال ۲۰۰۱ و خوشحالم که همه اکنون تدوین پیش‌نویس کنوانسیون براساس آن بیانیه مراحل آخر خود را در یونسکو می‌گذرانند.

توجه خاص کشورهای زیادی از اعضای یونسکو و رهبران آن‌ها، به‌خصوص شخص رئیس جمهور شیراک به این موضوع بسیار دلگرم‌کننده است. نطق عمیق ایشان در روز افتتاح سی و یکمین کنفرانس عمومی یونسکو در اکتبر ۲۰۰۱ از اسناد فراموش‌نشده در این سازمان است. الجزایر تحت رهبری رئیس جمهور بوفلیقه اولین امضاکننده کنوانسیون میراث معنوی است.

این دومین حضور ایشان به همراه من در اجلاسی است که یونسکو در باب گفت‌وگوی تمدن‌ها برگزار می‌کند که اولین آن در سپتامبر ۲۰۰۰ با حضور یازده رئیس کشور دیگر در مقر سازمان ملل در نیویورک ترتیب یافت. همچنین توجه جدی‌تر به موضوع اخلاق در علوم و اخلاق زیستی در یونسکو، نشان‌دهنده این است که جامعه جهانی در آغاز قرن بیست و یکم خلاء اهتمام به موضوعات مهمی را که سال‌ها به اندازه کافی مورد توجه نبوده دریافت کرده است. آقای مدیرکل اقدام شما به شمول گفت‌وگوی تمدن‌ها در همه شاخه‌های یونسکو و

معرفت انسان وقتی نسبت به چیزی حاصل شد، از طریق زبان بیان می‌شود و زبان که فراهم آمده از کلمات است، بالذات امری اجتماعی است، زبان فردی، زبان نیست

در آغاز هزاره سوم و سده بیست و یکم چیزی را پیشنهاد کرد که عمرش هزاران سال بیش‌تر از مبدأ تاریخ ماست، پس گفت‌وگوی تمدن‌ها که ما مطرح می‌کنیم، سرایت و تأثیر و تأثر تمدن‌ها نیست.»

تأثیر و تأثر امری است که انحصاراً در حوزه آگاهی و خودآگاهی انسانی، تحقق پیدا نمی‌کند. البته می‌توان آگاهانه مؤثر بود و یا با اختیار متأثر شد اما الزاماً عنصر آگاهی و خودآگاهی برای پیدایش تأثیر و تأثر ضروری نیست، در حالی که «دیالوگ» بدون آگاهی و بدون خودآگاهی، قابل تصور نیست.

اگر یکی از وجوه بارز وجود انسان را اراده او بدانیم، از آن‌جا که اراده مسبوق به آگاهی است، پس یکی از بحث‌های سرنوشت‌ساز درباره وجود انسان به بحث درباره معرفت او به خود و جهان اختصاص خواهد یافت، همان بحثی که در ضمن یکی از سه سؤال اساسی کانت مطرح شده است.

معرفت انسان وقتی نسبت به چیزی حاصل شد از طریق زبان بیان می‌شود و زبان که فراهم آمده از کلمات است بالذات امری اجتماعی است، زبان فردی، زبان نیست.

کلمات با خود تاریخی را حمل می‌کنند که در آن رشد کرده، متطور شده و نهایتاً به معنای امروزی خود نایل آمده‌اند، این است که هر سخنی اگر به عینه تکرار تمام و کمال سخن‌های قبل از خود نباشد و به نحوی با آن‌ها مغایرت داشته باشد، در عین تغایر از دامن آن‌ها برمی‌آید و آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد. هر سخن جدیدی به سخن آوردن سخن‌های قدیمی به طرزی جدید است و این سخن جدید به زودی خود به سرچشمه قدیم ملحق می‌شود، سرچشمه‌ای که در آینده باز خواهد جوشید.

و چون زبان امری اجتماعی است، هر سخن تنها با پیوستن به مجموعه‌ای از سخن‌هاست که «معنی» پیدا می‌کند و قابل شنیدن می‌شود گرچه از نظر تشریح فیزیولوژیک، تفاوتی میان شنیدن صدای سخن انسان با شنیدن صدای باد و باران و قطار و کیوتر نیست، اما به

برنامه‌ریزی‌های استراتژیک این سازمان نشان‌دهنده توجه به این واقعیت است که گفت‌وگوی تمدن‌ها از ملزومات همه این موضوعات مهم مطرح در سازمان شماس. خانم‌ها و آقایان تقارن زمانی سال ۲۰۰۱، سال جهانی گفت‌وگوی تمدن‌ها، با فاجعه یازدهم سپتامبر و پیامدهای سیاسی و دیگر تبعات ناشی از آن در جهان ما از یک طرف و توجه مراکز مهم تحقیقاتی و دانشگاهی و همچنین مراکز متعدد بین‌المللی و سیاسی به مسأله گفت‌وگوی تمدن‌ها از طرف دیگر به ما هشدار می‌دهد که مسأله گفت‌وگوی تمدن‌ها علاوه بر جنبه‌های نظری و علمی و فلسفی به مثابه یکی از مسائل مبتلابه در سیاست و اقتصاد نیز می‌باید مورد توجه قرار گیرد.

بگذارید همین‌جا و با تکیه به اهداف قانون اساسی یونسکو اعلام کنم که تصمیم دارم وقت و توان خود را پس از پایان دوره ریاست جمهوری‌ام به این موضوع مهم مصروف دارم.

از هم‌اکنون طرح تأسیس یک سازمان غیردولتی که گستره آن شخصیت‌ها، متفکران، مصلحان و نهادهای ذیربط بین‌المللی را به همکاری دعوت کند در ذهن دارم. برای این منظور نیازمند آنم که از نظریات و پیشنهادات شما حضاران در این جلسه مهم و جلسات دیگری که تا آن‌جا که وقت اجازه دهد در این سفر خواهم داشت، استفاده کنم در این میان توجه به آسیب‌شناسی «فرهنگ گفت‌وگو» یکی از اولین ضرورت‌هاست.

... حضار محترم وقتی ما پیشنهاد می‌کنیم، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها با یک‌دیگر گفت‌وگو کنند، دقیقاً چه می‌خواهیم بگوییم؟ مگر تاکنون تمدن‌ها و فرهنگ‌ها با یک‌دیگر «گفت‌وگو» نمی‌کرده‌اند، چه چیز تازه‌ای در این پیشنهاد وجود دارد؟ احتمالاً بیش‌تر حضار سخن توین‌بی را خوانده‌اند که گفته است «تمدن‌ها مثل بیماری‌های مسری هستند، سرایت تمدن از یک منطقه جغرافیایی به منطقه دیگر چنان بدیهی است که نیازی به استدلال ندارد، این سرایت قدیمی است و قدمت آن به اندازه عمر همه صورت‌های گوناگون تمدن بشری است، طبعاً نمی‌توان

سیاستی که تنها تابع اقتصاد باشد، به هیچ فضیلت اخلاقی و کرامت انسانی وفادار نخواهد بود و نگران میراث فرهنگی و هنری نیست

بی‌اشراق نورانیت سهروردی و بی‌جنون مقدس یونانیان و بی‌عقل نکته‌سنج ایشان و بی‌دریای طوفانی شعر عارفانه فارسی و بی‌لطافت شاداب شعر عاشقانه عربی و بی‌سپیدی شکوفه گیلان و هایکوی ژاپنی و بی‌چشم و دل زیبا و زیبانگر ابن عربی و مایستراکهارت و بی‌شب پردلهره رمانتیک‌ها و بی‌عصر روشنگری قرن هیجدهم زندگی بدون دکارت و اسپینوزا و کانت و هگل و شوپنهاور و پاسکال و کیرکگارد و برگسون و بی‌موسیقی جاودانه باخ و بتهون و موتزارت و خلاصه زندگی بدون نقاشی و مجسمه‌سازی و تئاتر و شعر و بدون آنچه که در طی قرن‌ها بشر از زیبایی و حس و فرهنگ و فکر بر جای نهاده است، چگونه زندگی‌ای است؟ به نام یک مسلمان، معتمد که زیبایی دین از زیبایی عدالت مایه می‌گیرد و نه بالعکس، عدالت جوهر همه ادیان آسمانی است و هر فهمی از دین که به بی‌عدالتی بینجامد ضد دین است، رسیدن به عدالت معیار فهم درست دینی است و نه بالعکس. خانم‌ها و آقایان دشمن واقعی همه ما که تا چند قدمی ما پیش آمده است، جهالت و کم‌دانشی نسبت به تاریخ و فرهنگ و تمدن‌های گوناگون است. گفت‌وگوی تمدن‌ها همچنین مستلزم کوشش برای ازدیاد میزان حضور و تأثیر مسائل فرهنگی و اخلاقی در سیاست است به یاد بیاوریم سخن کسانی که گفته‌اند از قرن هیجدهم به این سو، روز به روز سیاست، بی‌روح‌تر و خشک‌تر شده است.

سیاستی که تنها تابع اقتصاد باشد، به هیچ فضیلت اخلاقی و کرامت انسانی وفادار نخواهد بود و نگران میراث فرهنگی و هنری نیست. سیاست بدون اخلاق (اتیک) و زیبایی‌شناسی (استتیک)، حتی اگر ظاهراً سنگ حقوق بشر را به سینه بزند کاری برای حقوق بشر نمی‌کند، زیبایی و اخلاق و حقیقت از میان حقوق بشر است با زشتی و دروغ و تکبر و استبداد از کدام حقوق بشر می‌شود دفاع کرد. بگذاریم شاعران و هنرمندان و متفکران در نخستین قدم از حقوق بشر سخن بگویند و سپس سیاستمداران از ایشان متابعت کنند.

لحاظ علوم انسانی این مقایسه مع الفارق است. صدای فطرات باران گرچه با هم جمع شده و با هم به گوش می‌رسد، اما آن صداها، «هم‌آواز» نیستند، زیرا منبعث از اراده آگاهانه اجتماعی نیستند و لذا آن صداها زبان نیستند، در زبان است که مبحث وجودشناسی (آنتولوژی) و معرفت‌شناسی (اپیستمولوژی) و تاریخ با یک‌دیگر کل واحدی را تشکیل می‌دهد، وجود انسان و معرفت او به خود و دیگری و به امروز و دیروز در زبان، بیان می‌شود، ذات زبان در «هم‌زبانی» است، یعنی در گفت‌وگو و باگفت‌وگو است که معرفت خود به دیگری و تاریخ و جهان ممکن می‌شود.

علاوه بر این، گفت‌وگو عملی است اخلاقی، من با تأکید بر اخلاق، مخصوصاً می‌خواهم بر وجه غیرمنفعت‌طلبانه عمل اخلاق تأکید کنم زیرا اگر بر این وجه تأکید نکنیم، به سهولت می‌توان هر فعل منفعت‌طلبی را ضمناً اخلاقی نیز تلقی کرد.

ورود به ساحت اخلاق در حقیقت ورود به ساحت انسانیت است، منفعت تا جایی «خوب» است که با زیبایی و حقیقت و اخلاق تعارض نداشته باشد، می‌بینید که یکی از زیباترین صداها و همچنان صدای افلاطون است، او بود که در صدر تاریخ فلسفه وحدت میان زیبایی و حقیقت و اخلاق را با فیلسوفانه‌ترین زبان و هم‌زمان با شاعرانه‌ترین کلمات بیان کرد، گفت‌وگو هم‌زمان زیبا و اخلاقی و متضمن حقیقت است.

«گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها» همچنین مستلزم توجه به وضع سیر نزولی و تقلیلی آشنایی نسل‌های جدید با سرچشمه‌های فکر و فرهنگ و شعر و زیبایی در جهان است، راستی زندگی بدون لبخند بودایی و محبت عیسوی و مظلوم‌دوستی موسوی، بی‌آب و آتش زرتشتی و در غیاب زیبایی لفظ و معنای قرآنی چه زندگی‌ای است؟ زندگی بی‌موسیقی آسمانی و کیهانی فیثاغورث و بدون مثال خیر اعلا افلاطون و بدون منطق و سیاست و علم و مستافیزیک ارسطو و بی‌نگاه وحدت‌بخش افلوپتین و حکمت الهی فارابی و ابن‌سینا و ابن‌رشد و

پذیرفتن صورت گفت‌وگو فی‌نفسه به معنی اعراض از خشونت است و خشونت چون گنگ است، منطقی جز زور نمی‌شناسد و جایی برای تفاهم باقی نمی‌گذارد، خشونت طلب تنها تسلیم دیگری را در برابر سلیقه یا منافع خود که در تضاد با منافع دیگران تعریف می‌شود، طلب می‌کند

وجه سیاسی گفت‌وگوی تمدن‌ها به معنی تقدم فرهنگ و اخلاق و هنر بر سیاست است، به عبارتی دیگر، فهم و تفسیر و اجرای سیاست باید در ذیل فرهنگ و اخلاق و هنر صورت بگیرد، سیاست اگر رنگ اخلاق نداشته باشد و بویی از فرهنگ نبرده باشد و تنها به رنگ و بوی نفت راه بیوید، از حقوق بشر دفاع نمی‌کند و بهتر است بگوییم از حقوق بشر دفاع می‌کند که گرگ بشر است.

گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در عرصه سیاست مستلزم طرح بحث‌های اساسی در حوزه مفاهیم بنیادین سیاست نظیر دموکراسی، عدالت و صلح است. در ضمن این بحث‌ها باید بتوانیم به تعاریف مشترکی در باب این مفاهیم دست یابیم و از تفاسیر خودخواهانه این مفاهیم که بر محور زور و استیلا به وجود آمده است پرهیز کنیم. بگذارید همین جا بگویم که نگاه گادامر فیلسوف معاصر آلمانی را درست می‌دانم که هم در روش‌شناسی و هم شناخت‌شناسی میان گفت‌وگو و مذاکره تفاوت ماهوی وجود دارد، در گفت‌وگو سؤال بر جواب اولویت دارد، احتجاج و اسکات خصم از راه بزرگ کردن نقطه ضعف‌های او و گرفتن امتیاز در میان نیست، در حالی که در مذاکره معمولاً چنین است، در گفت‌وگو روند ما را هدایت می‌کند و در مذاکره ما روند را، در گفت‌وگو آمادگی برای تحول‌پذیری اصل است و در مذاکره عطفش برای امتیازگیری.

حضار محترم قطعنامه سی و یکمین کنفرانس عمومی یونسکو در باب تروریزم سند مهمی است که در عین تأکید بر اصل توجیه‌ناپذیری این پدیده شوم مطالعه در عوامل زمینه‌ساز رشد آن را توصیه کرده است. پذیرفتن صورت گفت‌وگو فی‌نفسه به معنی اعراض از خشونت است و خشونت چون گنگ است، منطقی جز زور نمی‌شناسد و جایی برای تفاهم باقی نمی‌گذارد، خشونت طلب تنها تسلیم دیگری را در برابر سلیقه یا

منافع خود که در تضاد با منافع دیگران تعریف می‌شود، طلب می‌کند و می‌کوشد تا هر مخالفی را با زور از صحنه خارج کند و حاصل کار چیزی جز بروز پدیده نفرت‌انگیز و هراس‌آور ترور از یک سو و جنگ و ویرانی و تحمیل و اشغال از سوی دیگر نخواهد بود و محتوای گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نفی و طرد خشونت‌طلبی و تروریسم و جنگ است.

این محتوا طبعاً متضمن فهرستی طولانی از مسائل مبتلابه انسان است، فقر وحشتناک حاکم بر جهان و تلفات نکان‌دهنده کودکان و بزرگسالان بر اثر گرسنگی و بیماری، تخریب گسترده محیط زیست، تهدید شدید مناسبات خانوادگی، بی‌بندوباری‌های اخلاقی، عدم امکانات آموزشی برای کودکان و نوجوانان مناطق محروم، از جمله مسائلی است که باید در اولویت قرار گیرد، بسیاری از این مسائل از جمله دغدغه‌های فکری سیاست‌مداران صلح‌دوستی است که پایه‌گذار سازمان یونسکو بوده‌اند.

به عنوان مثال در دیداری که اخیراً از آفریقا داشتیم، به ضرورت و فوریت آن‌چه در این سازمان «اولویت آفریقا» نامیده شده است، بیش‌تر پی بردم به‌خصوص که تحولات بسیار مثبت در جوامع مدنی این قاره مظلوم به سوی رشد و دموکراسی و دوری از خشونت برای اصلاح بسیار دلگرم‌کننده است.

این تحولات در فاصله پانزده سال دیدار قبلی من از این قاره کاملاً محسوس است و نشانه‌های همین روند و عطش و خواست اجتماعی در بسیاری دیگر از کشورهای عضو این سازمان نیز نمایان است.

دوستان عزیز بگذارید در پایان سختم ضمن قدردانی از همه مسئولان یونسکو، آرزو کنم که ما به عنوان دولت‌های عضو نهایت کوشش‌های خود را به کار بندیم تا آرمان‌هایی که فلسفه وجودی این سازمان است، تحقق یابد.

متشکرم

